



Analysis of the social idea of Imam Musa Sadr and its implications for explaining the nature of social education

javad mazaheri¹ | Iran Dokht fayyaz² | rasoul rasoulipour³ | ahmad salahshoori⁴

Abstract

The present study attempts to identify the conceptual network of socialization from the perspective of Imam Musa Sadr and clarify its implications for the field of social education. To achieve this goal, descriptive-analytical and practical inference methods have been used. According to this research, Imam Musa Sadr's general idea of socialization is an idea of an organism whose main components have been studied in eleven components. The central component of the idea of socialization in the view of Imam Musa Sadr is considered "compassionate interaction and coexistence" and the relationship of other components with this component has been analyzed and interpreted. The implications of this general idea and its constituent components for the nature of social education are also specified in ten general implications. Among these implications we can mention "the necessity of monotheistic attitude", "the necessity of innate humanism", "the necessity of looking at another as self" and "the necessity of believing in freedom as value".

Keywords: Imam Musa Sadr, idea, signification, social education, community.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.10.0

1. Doctoral student of philosophy of education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
mazaheri.javad@yahoo.com
2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
iranfayyaz@yahoo.ir
3. Associate Professor, Department of Philosophy of Religion, Kharazmi University, Tehran, Iran.
rasouli@khu.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
ah.salahshoor@gmail.com

واکاوی انگاره اجتماعی امام موسی صدر و دلالت‌های آن در تبیین ماهیت تربیت اجتماعی

جواد مظاهری^۱ | ایراندخت فیاض^۲ | رسول رسولی پور^۳ | احمد سلحشوری^۴

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد با تحلیل مؤلفه‌ها و مقولات اجتماعی موردنظر امام موسی صدر تصویرایشان از اجتماع را شناسایی کرده و دلالت‌های آن را برای تربیت اجتماعی روشن سازد. تحقق از روش‌های توصیفی - تحلیلی و استنتاج عملی استفاده کرده است. بر مبنای این پژوهش؛ انگاره کلی امام موسی صدر از اجتماع انگاره‌ای مبتنی بر تصویر ارگانیزمی جامعه و مبتنی بر نگرش توحیدی است که در یازده مؤلفه؛ (وحدت، کنشگری انسان، اجتماعی بودن هویت انسان، تفکر تشکیلاتی و تمدنی، کیفیت رابطه فرد و جامعه، آزادی، تعامل و همزیستی، گشودگی و رواداری، گفت‌وگو، احترام متقابل، ارزش‌ها)، مورد بررسی قرار گرفته است. دلالت‌های این انگاره برای ماهیت تربیت اجتماعی نیز، در هشت دلالت کلی عبارت‌اند از؛ اصل نگرش توحیدی، اصل انسان‌گرایی فطری، اصل نگاه مشفقانه به دیگری، اصل نگاه به دیگری به مثابه خویش، اصل باور به آزادی چون ارزش، اصل مبتنی ساختن رشد بر عمل، اصل برخورداری از اندیشه و منش تشکیلاتی، اصل ضرورت گفت‌وگو چون بینش، منش و روش، اصل هویت‌سازی بر محور انسانیت. افق‌گشایی این انگاره برای تربیت اجتماعی در نسبتی است که میان نگرش توحیدی و انسان‌گرایی برقرار می‌سازد و بستر فکری مناسبی برای رشد تعاملات اجتماعی در جامعه‌ی دینی می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: امام موسی صدر؛ انگاره؛ دلالت؛ اجتماع؛ تربیت اجتماعی.

شماره
۶۰

سال سی یکم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۳۱۸ - ۲۹۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۰۹/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۷/۲۴

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.10.0

mazaheri.javad@yahoo.com

Iranfayyaz@yahoo.ir

rasouli@khu.ac.ir

ah.salahshoor@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مقدمه

واقعیت‌های موجود در جوامع نشان می‌دهد؛ غالباً منتسبین به یک ملیت، شهر، حزب، گروه، روستا، خانواده و یا زبان و نژاد در مقابل ملیت، شهر، حزب، گروه، روستا، خانواده، زبان، و نژاد دیگر، تمام و یا بخشی از هویت^۱ خود را تعریف می‌کنند. این وضعیت در بسیاری از موارد مرزهای ارتباطی و تعاملات انسانی را مبتلا به محدودیت‌های غیر اصیل ساخته و رشد انسان و کرامت ایشان را دچار تنگنا می‌گرداند. این بدان معنی است که در این شرایط، امکان رشد عقلی، عاطفی و رفتاری انسان محدود شده و افراد به‌جای توجه به مرزهای اصیل و حقیقی در ارتباطات انسانی، در دایره‌ی تنگ هویت‌های اعتباری و مرزهای جعلی مورد اشاره، از شفقت و مهرورزی و رواداری نسبت به دیگرانی با هویت‌های اعتباری متفاوت، بازمی‌مانند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۴). در این حال، هویت اعتباری دیگری متفاوت، تهدیدی برای موجودیت من یا هویت اعتباری من می‌گردد. دردناک‌تر این است که این هویت اعتباری و در نتیجه نامهربانی و عدم رواداری نسبت به دیگری، گاهی توجیه دینی (الخشن، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۱) و گاهی توجیه علمی می‌یابد (سعید، ۱۳۸۷، صص. ۴۳-۸۸). از آنجا که بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر ارتباطات، بسیار متأثر از بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر فضای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی جوامع است (شارع پور، ۱۳۸۷، صص. ۱۲ و ۲۴)، برای چاره‌اندیشی و عبور از این واگرایی اجتماعی، می‌توان به نمونه‌هایی موفق برای الگوگیری و عبور از مشکلات توسل جست (سریع‌القلم، ۱۳۹۵، صص. ۱۲-۱۹).

امام موسی صدر یکی از بارزترین مصلحان مسلمان زمان ماست که با اتکا به دین و با بهره‌گیری از یک دین‌شناسی روزآمد، مسائل و مشکلات اجتماعی را شناسایی کرده و در صدد حل و فصل آنها برآمده و البته توفیقات زیادی نیز داشته است. او متفاوت با رویکرد رایج بسیاری از رهبران دینی زمان خود، با عطف توجه به حقیقت پیام انبیاء که در نگاه او همان اسلام قرآنی است و با انسانیت رابطه این‌همانی دارد، با پرهیز از طرح مسائل افتراقی، به اصلاح روابط انسانی و

۱. مراد از هویت در اینجا، عامل تشخیص بخش، تمایز بخش و معنا بخش فرد یا گروه، به نحوی که در معرفی فرد و گروه، آن عامل موضوعیت اصلی را داشته باشد (تیلور، ۲۰۰۳، ص. ۳۴).

مناسبات اجتماعی جامعه‌ی خود دست‌زده است. شواهدی همچون اصلاح روابط دینی و مذهبی و مناسبات سیاسی و اجتماعی، پایان بخشیدن به نزاع‌های فرقه‌ای لبنان و ایجاد وفاق ملی، موفقیت‌های چشمگیر او در اصلاح مناسبات دینی و اجتماعی در لبنان و جهان اسلام و در ارتباط با ادیان دیگر، به‌علاوه اشتراک خاستگاه اندیشه‌ی دینی - مذهبی صدر با بنیان‌های فرهنگی جامعه‌ی ایران، زمینه‌ای را مهیا می‌سازد تا افق نگاه ایشان برای ارتقاء تربیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. گرچه تعمیم دقیق‌تر این یافته‌ها نیازمند توجه به بافت فرهنگی و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی کشور لبنان و بررسی تفاوت‌ها و تشابهات آن با جوامع دیگر است، اما این ملاحظات جامعه‌شناختی در پژوهش حاضر مدنظر نبوده و صرفاً از منظری فلسفی به این موضوع پرداخته شده است.

او عرصه‌های نوینی از تعاملات^۱ اجتماعی در حوزه‌ی درون فرهنگی (اجتماعی و سیاسی) و میان فرهنگی (تعامل با فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب دیگر) را بر روی جامعه‌ی انسانی می‌گشاید که می‌تواند راهنمای ما به سوی الگویی^۲ سازوار و کارآمد و مبتنی بر نگرش دینی در تربیت اجتماعی باشد. صدر تربیت‌یافتگی اجتماعی آدمی را در کشف و فهم دیگری متفاوت به مثابه انسانی دارای ارزش و کرامت ذاتی و در تعامل و رواداری و همزیستی مهرورزانه با ایشان جستجو کرده است. او فردگرایی، فرقه‌گرایی و قبیله‌گرایی و نادیده گرفتن دیگری متفاوت و رویکرد حداقلی و حذفی در ارتباطات انسانی را نفی و در عمل مردود ساخته است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۲۹۱، ۳۱۹، ۳۹۱). بر این اساس، در این پژوهش نشان‌دادن افق‌گشایی صدر در عرصه‌ی ارتباطات انسانی مبتنی بر نگرش توحیدی، البته با توجه به تفاوت‌های موجود جامعه‌ی لبنان و جوامع دیگر و ملاحظه شرایط تعمیم آن مدنظر است.

بر اساس این توضیحات و با توجه به اینکه رویکرد حاکم بر فضای تربیتی جامعه ما بیشتر رویکردی فردگرا است و با توجه به اینکه نظام اندیشه‌ی صدر دارای استعداد لازم برای افق‌گشایی در عرصه ارتباطات انسانی و تعاملات اجتماعی و فهم اجتماعی دین است، مسئله‌ی پژوهش

۱. تعامل اجتماعی: به معنای توالی متقابل ارتباط بین دو یا چند نفر است (آتویت و باتامور، ۱۳۹۲).

۲. الگو (pattern): در این تحقیق الگو به معنای مدل و سرمشقی است که از ویژگی آگاهی بخشی و مهارت‌افزایی برخوردار است.

حاضر، تبیین نگرش اجتماعی امام موسی صدر و آشکار ساختن افق‌گشایی آن برای تربیت اجتماعی است. این بدان معنی است که پژوهش با توصیف و تحلیل مؤلفه‌های اصلی اندیشه‌ی اجتماعی صدر و با نشان‌دادن ربط و نسبت این مؤلفه‌ها با هم، درصدد تبیین نظام معنایی اندیشه‌ی اجتماعی صدر است. همچنین، استنباط استلزامات این نگرش اجتماعی برای ماهیت تربیت اجتماعی نیز، گام بعدی این پژوهش خواهد بود؛ بنابراین، مسئله‌ی پژوهش حاضر معطوف به توصیف و تحلیل تصویر یا انگاره‌ی^۱ صدر از اجتماع و بایسته‌های تعاملات اجتماعی و تبیین استلزام این انگاره در ماهیت تربیت یافتگی اجتماعی است

مبانی نظری

از میان حوزه‌های چهارگانه^۲ ارتباطات انسانی، ارتباط هر فرد با دیگر افراد و فهم و تعریف و نحوه‌ی عمل او در این حوزه بخش عظیمی از مسائل حیات و به‌تبع مسائل تربیتی را در بر می‌گیرد. پرداختن به تربیت اجتماعی، راه بردن به نگرش‌ها، ارزش‌ها و روش‌های درست، برای تقرب و رسیدن به وضعیت مطلوب و معقول ارتباطات انسانی است (علاقه بند، ۱۳۶۸، ص. ۱۰۶). تربیت اجتماعی به این معنا، نحوه‌ی کنشگری فرد در جامعه و در ارتباط با دیگران را مشخص ساخته و فرایندی است که به واسطه‌ی آن فرد، انگیزه، دانش و روش‌های لازم برای ارتباط با دیگری و مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی و گروهی را کسب می‌کند (علاقه بند، ۱۳۶۸، ص. ۵۴؛ کوئن، ۱۳۷۰، ص. ۵۲). این در حالی است که واقعیت‌ها بیانگر فاصله‌ی زیاد ارتباطات انسانی در وضعیت موجود با وضعیت آرمانی مورد انتظار از منظر اخلاقی (علیا، ۱۳۸۸، صص. ۲۹-۳۷) و دینی است (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۴). اگر اجتماعی بودن را در ارتباط بودن با دیگری بدانیم، به‌نحوی که هیچ‌یک از سه وجه سازنده‌ی آن یعنی «خود»، «دیگری» و «ارتباط» به‌وجه دیگر فروکاسته نشود (باقری، ۱۳۷۴)، تربیت اجتماعی عبارت است از؛ آموزش و پرورش

۱. معادل انگاره در این پژوهش Idea، حاکی از دیدگاه منسجم یک فرد در باب موضوع یا مفهوم خاصی می‌باشد. توضیحات معنای نخست دیکشنری آنلاین مریام وبستر برای این واژه، مراد این پژوهش از این مفهوم است.
۲. ارتباط با خود، دیگری، خدا و طبیعت به‌عنوان این ارتباطات چهارگانه مد نظر است که برخی با یکی کردن دو مورد آخر، ارتباط با هستی را جایگزین نموده‌اند (معمدی، ۱۳۹۲).

آگاهی‌ها، روش‌ها و مهارت‌هایی که می‌تواند در تربیت افراد برای ارتباط و حضور در اجتماع مورد استفاده قرار گیرد. البته روشن است که بسته به دیدگاه به کار بسته شده از سوی پژوهشگر، می‌توان تلقی‌های متفاوتی از تربیت اجتماعی به دست داد (مارش^۱، ۲۰۱۱). ولی به هر روی باید پذیرفت که «آگاهی اجتماعی» و «مهارت‌های ارتباطی» دو عنصر جدایی‌ناپذیر هرگونه یادگیری در تربیت اجتماعی است (اشر^۲ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ لذا برای راه‌گشایی در حوزه تربیت اجتماعی ضروری است نخست نگرش و آگاهی لازم در رابطه با ارتباطات انسانی به دست داده شود و سپس، این آگاهی به روش و مهارت عملی تبدیل گردد.

در یک تقسیم‌بندی، می‌توان نگرش‌ها به ارتباطات انسانی را به دو نگرش کلی فردگرا و جمع‌گرا تقسیم نمود (باقری، ۱۳۷۴). در نگرش فردگرا، آنچه اصیل و واجد ارزش اساسی است، فرد و هویت فردی وی است. در این حالت، هویت جمعی و تعاملات اجتماعی انسان، در تعارض با فردیت انسانی تعریف شده و لذا غیراصیل و حاشیه‌ای مدنظر قرار می‌گیرند^۳ (عزیزی، ۱۳۹۶). این در حالی است که در نگرش جمع‌گرا، تعامل و ارتباط اجتماعی از اصالت برخوردار است (آربلاستر، ۱۳۹۲، ۵۵-۶۶)، تا جایی که برخی نگرش‌های جمع‌گرایانه فردیت افراد را نادیده می‌گیرد. همچنین، ارتباطات انسانی از نظر عینی و عملی در سه دسته قابل بررسی است؛ رویکرد وازننده که انحصارگرایی نظری را به حیطه عمل وارد ساخته و با تمسک به جبهه‌بندی‌های نامعتبر، خود را مالک حقیقت و دیگران متفاوت را عاری از حق و لذا محروم از حقوق طبیعی می‌سازد (محمودیان، ۱۳۹۱)^۴. رویکرد عملی دیگر، همه‌ی مرزبندی‌های ارزشی را بی‌موضوع و نامعتبر قلمداد می‌کند. این رویکرد که نسبی‌گرایی در حیطه‌ی ارزش‌ها در آن مشهود است، تلاش خود را صرفاً معطوف به نادیده گرفتن تفاوت‌ها ساخته، لذا تمامی مرزهای متصور را امری نسبی و ناواقعی قلمداد کرده و ارتباط با دیگری را نه از منظری وجودشناسانه و مبتنی بر ارزش‌های عالی

1. Marsh

2. Osher

۳. رویکرد صوفیانه در جهان اسلام (زرین کوب، ۱۳۶۳) و رویکرد فردگرایانه در مغرب زمین با لحاظ تفاوت میان آنها را می‌توان در این دسته جای داد (بهزادیه، ۱۳۸۵).

۴. نمونه رادیکال و بارز آن در این زمان ما روش گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) است.

انسانی، بلکه از منظری صرفاً کارکردگرایانه و سودانگارانانه دنبال می‌کند (آربلاستر، ۱۳۹۲، ص. ۲۱).

رویکرد سوم که رویکرد موردنظر این پژوهش است، رویکردی است که از یک سو جمع‌گرا بوده و از سوی دیگر نه انحصارگرا است و نه نسبی‌گرا. این رویکرد با پیوند عمیق هویت انسان به بینش و منش توحیدی و ارتباطات انسانی، بستر ساز فصلی نوین در تعاملات اجتماعی می‌گردد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۳، ص. ۳۹؛ ۱۳۸۳، ص. ۷۷). همچنین وجود تفاوت‌ها را لازمه‌ی حکمت هستی و تحقق رشد انسان دانسته و در عین وحدت‌گرایی، درصدد سلب آزادی‌های فردی و یک‌شکل کردن انسان‌ها نیست (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۱۲-۱۱۷). این نگرش همواره رشد انسان را در فهم حکیمانه‌ی تفاوت‌ها جستجو کرده و با توسعه‌ی مرزها، از مرزهای اعتباری و محدود به مرزهای اصیل و مشترک انسانی، بر کرامت ذاتی و آزادی ابناء بشر فارغ از هویت‌های اعتباری تاکید می‌کند؛ لذا از گشودگی و رواداری نسبت به دیگری به‌عنوان یک انسان و تلاش برای کاستن از آلام و رشد حیات انسانی او برخوردار است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷). در این حالت، نگرش توحید بنیان و ملتمز به ارزش‌های مشترک انسانی - الهی، متمایز کننده‌ی این رویکرد از منظرهای سکولار به حضور اجتماعی انسان است. چنانچه با توسعه‌ی مرزها به مرزهای حقیقی و مشترک انسانی که مبتنی بر توجه به حقیقت مشترک انسان و ادیان است، از ظرفیت بالایی برای وسعت‌بخشی به مرز ارزش‌ها و گسترش ارتباطات انسانی و حضور اجتماعی او برخوردار است. همچنین، محوریت یافتن انسان و کنشگری اجتماعی او، تمایز بخش این رویکرد از رویکردهایی است که با استناد به نگرش توحیدی به هستی، انسان و کنشگری او را کم‌جلوه و محو می‌سازند و اصطلاحاً موضوعیت یافتن خدا را با نفی انسان جستجو می‌کنند. از سوی دیگر این رویکرد با تمرکز بر تفسیر اجتماعی دین، از رویکردی متمایز می‌گردد که با برخورداری از بن‌مایه‌های فردگرایانه، رشد انسان و تعالی‌یافتگی او را بیشتر در عمل فردی و انزوای اجتماعی دنبال می‌کند.

باتوجه به دو دیدگاه فردگرا و جماعت‌گرا، اهداف متفاوتی را می‌توان برای تعلیم و تربیت در نظر گرفت. بر اساس نظر جمع‌گرایان، تربیت اصولاً امری اجتماعی بوده و وسیله‌ای برای تحقق انسان اجتماعی است و از نظر برخی باید ناظر به تأمین نظریات حاکمیت فرهنگی و سیاسی جامعه باشد. البته برخی نیز بر هنر خوب زیستن، با هم زیستن و پرورش احساس مسئولیت اجتماعی و

مهرورزی به دیگران نظر دارند. در نقطه‌ی مقابل برخی نیز هدف نهایی تربیت اجتماعی را بازسازی تجارب فردی و رها ساختن انسان از عادت‌ها، ساختارها و آزادی او از همه‌ی قید و بندهای مغایر با استقلال فردی می‌دانند و همواره آزاد و مختار بودن آدمی و منزلت ذاتی و الهی او را مورد تاکید قرار می‌دهند (کریمی، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۵-۱۰۸). البته در این میان کسانی چون رورتی فیلسوف نوپراگماتیست معاصر به همگرایی فرد با جامعه تاکید داشته و اصولی چون؛ جامعه‌پذیری اولیه، رشد فردیت، رشد تفکر انتقادی، رشد خلاقیت، جامعه‌گرایی و عدالت‌ورزی را، برای تربیت اجتماعی ارائه نموده‌اند (باقری و سجادی، ۱۳۸۴، صص. ۱۱۹-۱۲۰).

آنچه در ضمن دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در حوزه‌ی جامعه‌شناسی (کارکردگرایی، انتقادی، بازتولید اجتماعی و فرهنگی، کنش متقابل نمادین) در خصوص تعاملات اجتماعی ذکر می‌شود، هر کدام به زاویه‌ای از تربیت اجتماعی نظر دارد. این دیدگاه‌ها بیشتر ناظر به وضعیت موجود و واقعیت اجرا و عمل بوده و نه ناظر به تحقق آرمان و ارزشی مفقود که باید پیگیری شود (شارع پور، ۱۳۸۲، ص. ۶۸)؛ لذا گرچه تلقی ارگانیزی جامعه فصل مشترک انگاره‌ی اجتماعی صدر از جامعه با منظر کارکردگرا است، اما تمایز نگاه صدر در پیوند آن با نگرش توحیدی و توجه به حفظ فردیت و ارزش‌های مرتبط با آن آشکار می‌گردد. همچنین توجه به فطرت و ارزش‌های حقیقی و پایدار، وجه تمایز نگاه صدر از منظر کسانی چون دورکیم است که لا اقتضا بودن وجود فرد نسبت به هر شکلی از تربیت و وابسته بودن کامل تربیت فردی به شرایط اجتماعی را قائل هستند. در این خصوص البته دیدگاه صدر به نگاه کسی چون تیلور شباهت دارد که قائل به وجود برخی ویژگی‌های تکوینی در ساختار هویتی انسان است و انسان را موجودی لا اقتضا نمی‌داند (ابی، ۲۰۰۰، ص. ۶۶).

پیشینه پژوهش

اگرچه تألیفات بسیاری به صورت کتاب درباره‌ی امام موسی صدر موجود است، می‌توان گفت که کمترین توجه به وجوه تربیتی اندیشه‌ی صدر بوده است. پژوهش‌های علمی درباره اندیشه

صدر البته از منظرهای مختلفی چون علوم ارتباطات (پالیزبان، ۱۳۸۷؛ صدر، ۱۳۹۷)، الهیات (علمدار، ۱۳۹۳؛ مریدی، ۱۳۹۵؛ وفایی مغانی، ۱۳۹۲؛ روحی برندق، ۱۳۹۸)، فلسفه تربیت (عبدلی، ۱۳۹۵) فلسفه سیاسی (لک زایی، ۱۳۹۸) و... انجام گرفته است. ولی موضوع محوری هیچ یک از این پژوهش‌ها تربیت اجتماعی صدر نبوده است. البته در برخی (عبدلی، ۱۳۹۵)، صرفاً به بیان کلیاتی در تربیت اجتماعی بسنده شده است که به هیچ‌روی از بسندگی لازم برای بیان دیدگاه صدر در باب تربیت اجتماعی برخوردار نیست.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع تحقیقات نظری و به لحاظ ماهیت کیفی بوده و از روش تحلیل فلسفی (شورت، ۱۳۹۴، ص. ۴۳) بهره می‌گیرد. در پاسخ به سؤال اول از روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی (محمدپور، ۱۳۹۸، صص. ۴۲۰-۴۲۹)، و تفسیر و تبیین ساختار معنایی آنها (نیومن، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۵) استفاده شده است. یعنی با بررسی مجموعه ۱۲ جلدی «مسیره الامام السید موسی الصدر» واحدهای معنایی که در بردارنده‌ی واژگان، جملات، عبارت‌ها و یا بندهایی است که در جنبه‌هایی از زمینه یا محتوای اجتماعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند، مؤلفه‌های (مقولات) اصلی اجتماعی صدر با بهره‌گیری از رویکرد جهت‌دار^۱ در تحلیل محتوا، استخراج گردیده است (ایمان، ۱۳۹۰). در پاسخ به سؤال دوم نیز از روش استنتاج (قیاس) عملی استفاده شده است. روش استنتاج عملی نیز متشکل از دست‌کم یک مقدمه تجویزی به‌عنوان کبرای قیاس و یک مقدمه‌ی توصیفی به‌عنوان صغرای قیاس است. مقدمه‌ی اول به‌غایت ناظر است و مقدمه‌ی دوم، ناظر به وسیله‌ی نیل به آن غایت و نتیجه است و حاکی از ضرورت استفاده از آن وسیله برای رسیدن به غایت مذکور است (باقری و همکاران، ۱۳۸۹، صص. ۴۶-۵۶). پژوهش حاضر برای تحقق هدف پژوهشی خود به دو پرسش زیر پاسخ خواهد داد:

۱ - مؤلفه‌های اساسی انگاره اجتماعی امام موسی صدر کدام است؟

۱. یعنی با بهره‌گیری از مهم‌ترین مقولات اجتماعی موردنظر اندیشمندان اجتماعی، نگاه صدر به این مقولات آشکار گردیده است.

۲- دلالت انگاره اجتماعی در ماهیت تربیت یافتگی اجتماعی چیست؟

یافته‌های سوال اول تحقیق (مؤلفه‌های اساسی انگاره اجتماعی امام موسی صدر کدام است؟)

جامعه به وسیع‌ترین معنا به کل مناسبات اجتماعی میان آدمیان دلالت دارد. هر انبوهه‌ای از آدمیان که در یک گروه بادوام دارای نهادها و فرهنگ، گرد هم آمده باشند را می‌توان جامعه نامید (گولد و کولب، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۷). صدر نیز جامعه را این‌گونه تعریف کرده است: «از نظر اسلام جامعه مانند پیکری واحد است، جامعه پیکری است بزرگ و یکپارچه، و...» (صدر، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۶). این دیدگاه جامعه را دارای حیات دانسته و هر جزء آنرا واجد وظیفه و کارکرد معینی می‌داند، چنانچه حیات کل (جامعه) است که حیات هر جزء (فرد) را ممکن می‌سازد «افراد جامعه همه پیکره‌ی واحدی را تشکیل می‌دهند...» (صدر، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۷). اگرچه اندیشمندان اجتماعی در تعریف جامعه، برخی روی عنصر «سرزمین»، و برخی بر عنصر «همکاری» تأکید می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۴). در تصویر ارگانیزی صدر از جامعه، بر عنصر «مبادله و تعامل» بیش از هر چیز تأکید شده است. صدر تصریح نموده است که بنیان جامعه بر مبادله و تعامل است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۲۸۷-۲۹۱؛ ۱۳۸۳، صص. ۸۷، ۱۰۲). مبتنی بر این تحلیل در ادامه، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی دیدگاه صدر در باب چیستی اجتماع و جامعه مطلوب و بایسته‌های اجتماعی شدن، طرح، تحلیل و تفسیر می‌گردد.

وحدت

در اندیشه‌ی صدر، وحدت مبتنی بر نگرش توحیدی به هستی بوده و تأمین‌کننده‌ی یکپارچگی پیکره‌ی جامعه در تصویر ارگانیزی آن است. لازمه‌ی نگرش توحیدی نیز عدم برتری‌طلبی و آمادگی برای ارتباط است. چراکه «خدا یکتاست و از داشتن والدین و... مبراست، همه‌ی افراد بشر نزد او برابرند... کسی بر دیگران برتری ندارد یا بی‌نیاز از دیگران نیست تا مانع تعاون و همکاری باشد» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۹۱؛ ج. ۱۱، صص. ۴۴۵، ۴۷۰). این وحدت است که در اندیشه‌ی صدر بن‌مایه‌ی ارتباط انسان با خود و هستی بوده و نقیض شرک و مانع تشمت فردی و تفرقه اجتماعی است. «هنگامی که انسان به خداوند ایمان می‌آورد... ایمان همه‌ی وجودش و همه‌ی

ساحت‌های زندگی‌اش را دربر می‌گیرد» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۴۸-۱۸۹)؛ لذا نقطه‌ی مقابل وحدتِ توحید بنیاد از نظر صدر، این است که انسان دو هدف و دو انگیزه داشته باشد: خدا و انسان؛ یا خدا و خودمحوری؛ یا خدا و قبیله؛ یا خدا و گروه که نمی‌تواند وحدت را محقق سازد (عبدلی، ۱۳۹۵). از همین رو است که صدر خلأً تفکر توحیدی را در جوامع امروز مورد انتقاد قرار می‌دهد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۳۹۴-۳۹۵). چنانچه نگرش توحیدی با نفی نسبت خاص فرد و گروهی با خدا در ذیل حکمت هستی، زمینه‌ی تمایز طلبی‌های مشرکانه را برمی‌چیند (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۳۰-۴۰).

کنش‌گری انسان

عنصر کنشگری، در مقابل انفعال و تقدیرگرایی از یک طرف و قبیله‌گرایی از سوی دیگر، یکی از مفاهیم مورد تأکید در اندیشه‌ی اجتماعی صدر است. صدر در نقد نگاه تقدیرگرایانه و در بیان نسبت توحید با مسئولیت اجتماعی و لزوم کنشگری اجتماعی انسان با استناد به آیاتی از سوره‌ی اخلاص در قرآن، چنین می‌گوید:

جهل و عقب ماندگی و فقر و گرسنگی و خواری نتیجه اعمال افراد جامعه است و هر پیشرفت و موفقیت و دانش و کمالی نتیجه‌ی کار خودمان است... این معنای توحید است و آن را احدیت و صمدیت و نسب نداشتن خداوند گرفته‌ایم... (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶).

صدر در تفسیر این آیات، با معناکردن احدیت و صمدیت به نسبت نداشتن خدا با فرد و قومی خاص، به جای نسب نداشتن خدا، نتیجه می‌گیرد که هرکسی نتیجه‌ی تلاش خود را برداشت می‌کند و نه نتیجه‌ی تصورات ذهنی بی تأثیر در واقعیت را. این معنا از توحید اجتماعی صدر است که روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و عمل‌گرایی آدمی را تقویت و او را فعال‌تر می‌سازد (علمدار، ۱۳۹۳). در همین راستا از نظر صدر؛ قبیله‌گرایی نیز موجب منحل شدن فردیت در جمع شده و با ایجاد امتیاز بدون تلاش برای اعضای خود زمینه‌ی تنبلی و رکود را فراهم می‌سازد؛ لذا ایشان با استناد به آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد توجه می‌دهد که جامعه، چه خوب و چه بد مرتبط با عمل یکایک افراد و برآمده از نظام علت و معلولی هستی است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶).

اجتماعی بودن هویت انسان

مؤلفه‌ی هویت اجتماعی بیانگر این حقیقت است که؛ اجتماعی بودن انسان امری سرشته‌ی بوده و تحقق رشد بایسته‌ی انسان، امری اجتماعی و در گرو ارتباطات انسانی اوست. چنانچه اندیشه‌ی آدمی نیز در بستر زبان شکل می‌گیرد و زبان پدیده‌ای اجتماعی است (باطنی، ۱۳۸۹). این سخن به این معنی است که اگرچه انسان از فطرت برخوردار است، اما لازمه‌ی فعلیت یافتن ذات این است که در کنش ارتباطی با جامعه شکوفا گردد و چون ماده یا هیولای ارسطویی است که در ارتباط با صورت، تعین و تشخیص می‌پذیرد. این ویژگی در بیان صدر این گونه آشکار می‌گردد «انسان در آفرینش، در حیات در نیازمندی‌ها در اندیشه و تفکر و در همه‌ی جنبه‌های حیات خویش موجودی اجتماعی است» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۳، ص. ۳۹)؛ لذا صدر در تاکید بر لزوم کنشگری اجتماعی و نفی انفعال فردگرایانه، منتقدانه می‌پرسد:

آیا کسانی که از ادیان تنها به بعد عقیدتی و اخلاقی آن بسنده نموده‌اند ... بر این باورند که صیانت از ایمان و محافظت از اخلاق نیکو برای کسی که در فضای خارجی هیچ‌گونه ارتباطی با چهارچوب‌های متناسب با ایمان و اخلاق ندارد، امکان‌پذیر است؟ (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۳۵).

تفکر تشکیلاتی

صدر خود ضرورت نگاه تشکیلاتی را این گونه بیان می‌کند: «تشکیلات فرد را به جماعت تبدیل می‌کند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱۲، ص. ۳۵). از آنجاکه راهبرد کلان صدر توسعه و کیفیت‌بخشی به ارتباطات انسانی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در بهبود وضعیت تربیتی فرد و جامعه است، ایجاد ارتباطات جدید و تشکیلاتی که بتواند تعاملات اجتماعی را فعال‌تر سازد و نیروهای جامعه را در جهت تجمیع توانمندی‌ها و هم‌افزایی معطوف به تربیت کنار هم قرار دهد، موضوعیت می‌یابد. چنانچه، ایشان بیان می‌کند که؛ «سازماندهی شرط اساسی موفقیت هر اقدامی در جهان و در هستی است، و ... عمل سازمان‌نیافته ... محکوم به شکست است» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، ص. ۹)؛ ۱۳۸۳، ص. ۲۸۲). البته در اندیشه‌ی صدر، همکاری ثمربخش گروه‌ها در کار تشکیلاتی، با اندیشه‌ی وحدت‌بخش توحید، امکان تحقق تام می‌یابد، چراکه ایمان به خدا با ایجاد آرزوهای بلند، جنبشی دائمی برای خیر رسانی در آدمی می‌آفریند و این مانع نابودی فردیت افراد می‌گردد

«اسلام با ایجاد آرزوهای بلند در انسان در او حرکتی دائمی می‌آفریند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۵، ص. ۱۸۹).^۱

کیفیت رابطه فرد و جامعه

در دیدگاه‌های فردگرا، فرد به‌تنهایی دارای استقلال و هویت تام است و حفظ فردیت در تعارض با حضور اجتماعی فهم می‌شود (اسعدی، ۱۳۸۵)، چنانچه صدر در نقد فردگرایی می‌گوید:

جوامع فردگرا ... زمینه‌ی رشد ابعاد منفی وجود انسان را ... تقویت می‌کنند. انانیت و نفس اماره در بستری رشد می‌یابد که ... منافع شخصی بر مصلحت عمومی تسلط می‌یابد (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۸۸).

صدر از یک سو معتقد است؛ انسان فردیت یافته و به عمل رسیده اجتماع را می‌سازد و فردیت او مقهور اجتماع و روابط آن نیست و از سوی دیگر نقش اجتماع در شکل‌گیری شخصیت را مورد توجه قرار می‌دهد (صدر، ۱۳۸۳، صص. ۸۸-۸۹).

آزادی

امام موسی صدر آزادی را فضا و حال و هوای مناسب برای رشد نیروها و ظهور استعدادهاى انسان (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۵، ص. ۱۹۶) و مخالفت با آزادی را معلول بدبینی به فطرت الهی انسان می‌شمارد؛ «آزادی یعنی به رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش‌گمانی به انسان و حال آنکه نبود آزادی یعنی بدگمانی به انسان و کاستن از کرامت او» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۷۹-۱۸۰)؛ لذا صدر، سلب آزادی به هر بهانه‌ای را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ «آزادی همواره ... به بهانه‌های مختلف از انسان سلب می‌شود، شکل‌های سلب آزادی ... تغییر پیدا می‌کند، گاه استبداد، گاه استعمار، گاه نظام ارباب‌ورعیتی، گاه تروریسم فکری و ادعای قیومیت بر مردم» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۱۹۷). صدر با فطری دانستن آزادی، آن را با مفاهیم «فطرت» و «کرامت»، به‌عنوان مبنای مشترک همه‌ی ادیان «... با فطری بودن آزادی و همچنین ایمان به خداوند، آزاداندیشی و پذیرا

۱. از مهمترین اقدامات تشکیلاتی صدر؛ تشکیل مجلس اعلاى شیعیان (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۳، صص. ۸۶-۸۷)، تشکیل امل یا جنبش محرومان «أفواج المقاومة اللبنانية» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۷، ص. ۳۰۸) است.

بودن در مقابل دیگران کاملاً دینی است» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۵۱) و همچنین مفهوم «وحدت» برخاسته از نگاه توحیدی پیوند می‌زند (صدر، ۱۳۹۸)؛ لذا صدر در دفاع از آزادی‌های اجتماعی به دفاع از آزادی رسانه و مطبوعات نیز می‌پردازد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۱۷۹). او در جمع روحانیون و در خصوص آزادی اجتماعی نیز چنین می‌گوید:

اگر با خشونت و تصلب مردم را به حفظ حدود خود مجبور سازیم تا در برابر ما آزادی رفتار و آزادی گفتار و آزادی سؤال و مناقشه و مباحثه نداشته باشند، خود را از حقیقت دور و معالجات فرضی و خیالی و پیشنهادهای تخیلی کرده‌ایم (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۶۲).

البته صدر در تعریف آزادی و تبیین رابطه‌ی آزادی فردی و اجتماعی، رابطه‌ی میان آزادی از محدود کننده‌های درونی و بیرونی را توأمان مورد توجه قرار می‌دهد «اگر بخواهیم آزادی را تعریف کنیم باید بگوییم که آزادی رهایی از دیگران و رهایی از نفس است» (صدر، ۱۳۸۴، ص. ۲۵). این یعنی اینکه؛ رهایی از هر یک از تمایلات درونی قدمی به سوی آزادی و وسعت عمل اجتماعی انسان است (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۱).

تعامل و همزیستی

تعامل اقدامی آگاهانه برای توسعه ارتباطات انسانی در جهتی سازنده بوده و نتیجه باور به همزیستی مشفقانه است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۵، ص. ۶۱). بر اساس باور به تعامل است که صدر حتی در جشن‌ها و مراسم‌های معمول مردم شرکت کرده و نشست‌های مشترک با بزرگان ادیان و مذاهب برپا می‌کند (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۸۰؛ ج. ۳، ص. ۱۶۸). صدر در بیان خاستگاه دینی تعامل و همزیستی با سایر فرق چنین می‌گوید:

درباره‌ی رفتار عرفی و اجتماعی‌ام در برابر دیگر فرقه‌ها باید بگویم که من نام این رفتار را رفتار سکولاریستی نمی‌گذارم، بلکه آن را رفتار دینی محض می‌دانم (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۱۸-۱۱۹).

همزیستی^۱ در اندیشه‌ی صدر علاوه بر دوطرفه بودن، بیان نوعی تعامل توأم با محبت و مهرورزی است که افراد نه صرفاً بر اساس مناسبات حقوقی، بلکه همراه با پیوند عاطفی با هم تعامل

۱. التعایش واژه عربی مورد استفاده صدر است که همزیستی یا مدارا به تنهایی معادل آن نیست و پیوند عاطفی نیز در ذیل این مفهوم، موضوعیت دارد.

دارند. در این حال، پیوندهای عاطفی تا مرز ارزش‌های مشترک انسانی گسترش می‌یابد و تنها نادیده گرفته شدن انسانیت است که تعامل را محدود می‌سازد. مفهوم «اخوت» در نگاه صدر بیانگر نهایت این شفقت و عاطفه مثبت است و در این افق معنایی به کار می‌رود؛ «اسلام... افراد جامعه را برادر می‌داند و به این وسیله پیوند عاطفی میان افراد را ایجاد می‌کند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۹۱). به همین دلیل همزیستی موردنظر صدر نیازمند پذیرش تفاوت‌ها در امکان و استعداد بشری بوده و تعامل، تبادل مشفقانه‌ی این امکانات و توانایی‌ها است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۳۱۹).

گشودگی و رواداری

در نگاه صدر، «بنیان دین‌ورزی» گشودگی نسبت به دیگر انسان‌ها است. او تأکید دارد که؛ «دین هرگز به کناره‌گیری و تحقیر دیگران نمی‌خواند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵) چراکه «دین هر انسانی را، صرف‌نظر از مذهب یا اندیشه یا اعتقادش، محترم می‌شمارد.» (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۰). مؤلفه‌ی گشودگی در سیره‌ی عملی صدر یا به تعبیر عربی مورد استفاده ایشان «الافتتاح»، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انگاره‌ی اجتماعی او را آشکار می‌سازد؛ «رسالت ما جهانی و گشودگی نسبت به همه ملت‌ها است» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱۲، ص. ۹۴). گشودگی در نگاه صدر بیانگر آمادگی تعامل ارگانیزم با محیط پیرامونی و امکان استمرار و پویایی حیات اجتماعی آن است. به همین دلیل است که او تنوع در اندیشه و ادیان را لازمه‌ی آشکار شدن استعدادهای سرشتی انسان می‌شمارد و می‌گوید: «حق این است که تفاوت در اندیشه و ادیان از مهم‌ترین عوامل رشد فکری و رهایی از جمود و شکوفاشدن استعداد بشر است» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۱۲-۱۱۷).

گشودگی صدر بر این مبنی است که؛ خدمت به انسان همان خدمت به خداست (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۵، ص. ۱۹۴؛ صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱۲، ص. ۷۵). این مبنای صدر درباره‌ی گشودگی است که به او این امکان را می‌دهد تا بسیاری از مفاهیم اصیل و بیان‌کننده‌ی گوهر ادیان را در سطح جامعه مسلمان و مسیحی طرح کند (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۴۲-۱۴۳) و به همین دلیل است که صدر

همواره در گفت‌وگوهای خود به مفاهیم گوهری ادیان توجه می‌دهد. تنها محدودیت گشودگی و رواداری صدر در تعامل، عدم رعایت مرزهای انسانیت^۱ است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۰).

گفت‌وگو

اگر گفت‌وگو؛ «کاوش مشترک برای دستیابی به فهم ارتباط و امکان افزون‌تر انسانی» باشد (پایا، ۱۳۸۱، ص. ۱۱)، آنگاه حاکی از آن است که به‌عنوان یک برساخته‌ی بشری، دارای توان مناسب برای ایجاد دگرگونی در جهان واقعی است (خانیک، ۱۳۸۳، ص. ۹۵). گفت‌وگوی موردنظر صدر نیز، رکنی برای تحقق توحید اجتماعی است؛ «وحدت ملی و تقریب دینی از طریق گفت‌وگو و تفاهم و کم‌شدن فاصله ... محقق می‌شود و هیچ راهی به توحید جز از طریق گفت‌وگو و تفاهم نیست» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۱۲، ۱۱۹). صدر همواره به رفع موانع اخلاقی گفت‌وگو نیز توجه می‌دهد؛ «ادیان تکبر و بزرگی کردن در کلام را نمی‌پسندند، چرا که این‌گونه اقدامات بین فرد و دیگران حجاب ایجاد می‌کند، و مانع این می‌شود ... با آنان گفت‌وگو کند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، ص. ۴۶۲)؛ لذا صدر وارد شکلی از گفت‌وگو می‌شود که باتکیه‌بر مشترکات ادیان، گفت‌وگوهای جدلی انحصار‌گرا را به گفت‌وگوی معطوف به تفاهم و تعاون تبدیل می‌سازد. همانند پیام تلویزیونی ایشان به دلیل تقارن میلاد مسیح و عاشورای حسینی (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۸، ص. ۴۴۳).

صدر با استناد به آیات ۱۲۸ بقره و ۵۲ آل عمران، بستر دینی مناسب برای گفت‌وگو فراهم می‌کند؛ «جایگاهی که خداوند انسان را برای رسیدن به آن آفریده، همان انسانیت اوست و انسانیت او عین اسلامیت او نیز هست» (۱۳۸۴، ص. ۱۶۰). البته گفت‌وگو در نگاه صدر وجه معرفت‌شناختی عمیقی نیز می‌یابد و بستر ساز گفت‌وگو با دستاوردهای علمی می‌گردد؛ «هر گفت‌وگویی، راهی برای شناخت بیشتر است و راهی برای بهره‌مند شدن از دانش دیگران و استفاده از عقل‌های آنان» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۱۷۸).

۱. مرزهای انسانیت مورد نظر صدر بیش از هر چیز ظهور عینی دارد و نه ذهنی و در حفظ حرمت و کرامت، همزیستی، حفظ حقوق انسانی چون؛ حیات، آزادی اندیشه و باور و برخورداری عادلانه از مواهب جامعه به مقتضای تلاش جلوه‌گر است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۰؛ صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۴۳-۱۵۱).

احترام متقابل

از نگاه صدر، شرط اساسی برای همکاری و ایجاد اعتماد متقابل میان اعضای یک جامعه، وجود احترام متقابل میان آنان است؛
شرط اساسی برای ... همکاری، وجود احترام متقابل است ... اعتماد متقابل نیز به وسیله این احترام متقابل حاصل می‌شود ... (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، ص. ۱۴۲).
از همین رو است که صدر در تحلیل شرایط تحقق انسجام ملی، مهم‌ترین خطر را نه دشمن خارجی، بلکه دسته‌دسته کردن مردم و نبود احترام میان گروه‌ها می‌داند. «مهم‌ترین چیز خطر داخلی است که در نتیجه تحقیر و عدم رعایت حرمت شهروندان و دسته‌دسته کردن مردم ایجاد می‌شود» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۴۳). این گونه است که بزرگداشت صدر از افراد غیر هم‌کیش و فرقه‌ها و ملل دیگر با تجلیل از افراد هم‌کیش در فرقه‌ی خود همسانی دارد (کمالیان، ۱۳۹۸، ص. ۳۴۶). احترام متقابل تضمین‌کننده‌ی پیوند تکوینی اجزاء در انگاره‌ی ارگانیزمی صدر بوده و به معنی به رسمیت شناختن دیگری متفاوت است.

ارزش‌های کلان اجتماعی

در منظر اجتماعی امام موسی صدر، حاکمیت ارزش‌های انسانی در کنار وجود یک نظام حقوقی منسجم دو شاخصه‌ی مهم یک جامعه‌ی مطلوب تلقی می‌گردد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۳۳۱). صدر در عین داشتن این باور که اخلاق ریشه در سرشت انسان دارد؛ «ارزش‌های انسانی همان کانون‌های اصیلی است که در سرشت آدمی قرار داده شده است» (صدر، ۱۳۹۴، ج. ۱، ص. ۱۵۸)، توصیه‌های اخلاقی موجود در متون دینی را با تمرکز بر وجه اجتماعی آنها و تأثیری که بر کمال اجتماعی جامعه می‌گذارد مورد توجه قرار می‌دهد؛ «همه‌ی آنها {فضایل} وسعت وجودی می‌بخشد که همکاری، دوستی و تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کند» (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۹۴). بر همین اساس در نگاه صدر، توصیه‌های اخلاقی دین در ذیل ارزش‌های کلان اجتماعی فهم می‌شود؛ ارزش‌هایی چون حق‌مداری^۱، وحدت‌گرایی^۲ و تربیت‌محوری^۳؛ لذا اگر

۱. (علمدار، ۱۳۹۳؛ صدر، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۵).

۲. (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۲۳۰-۲۴۵؛ ج. ۱، صص. ۲۹۱-۲۹۲).

۳. (صدر، ۱۳۸۴، صص. ۸۸-۸۷-۹۵؛ علمدار، ۱۳۹۳).

صدر به پرهیز از ریا، فساد، غیبت و داشتن مهرورزی و احساس مسئولیت تأکید می‌کند، این مفاهیم را مقدمات تحقق آن ارزش‌های کلان اجتماعی می‌شمارد (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۳۶۶). در نگاه صدر آنچه در اخلاق اسلامی مرکز توجه است، مبارزه شدید با عواملی است که مانع پیوند انسان با دیگری بوده و موجب احساس خودبستگی و مانع دادوستد با دیگران می‌گردد (صدر، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۵). حق‌مداری به‌عنوان یکی از بنیان‌های ارزش اجتماعی، از آن روی همواره مورد تأکید صدر قرار گرفته است که رشد و تعالی فرد و جامعه و تحقق تعامل و همزیستی و فراروی از مرزهای اعتباری، وابسته به آن است. ارزش بودن وحدت‌گرایی از نظر صدر نیز به این دلیل است که وحدت برآیند تحقق دیگر فضایل اخلاقی و نشانه‌ی عبور از فرقه‌گرایی در جامعه است؛ «ایمان به خدای واحد... معنایش این است که همه آحاد بشر همانند دانه‌های شانه با هم برابرند...» (صدر، ۲۰۱۴، ج ۱، صص. ۲۹۱-۲۹۲). ارزش بودن فضای تربیتی جامعه نیز، به این دلیل است که در این فضا تحکم و اجبار و تقلید و جهل و فریب، جای خود را به تبیین و توجیه و آگاهی و انتخاب و صداقت و راستی می‌دهد و نشانه‌ی توجه به وجه خلیفه‌اللهی، کرامت انسان و آزادی اعمال اراده‌ی آدمی است (صدر، ۱۳۸۴، صص. ۸۷-۹۵). اکنون با نظر به مؤلفه‌های ذکر شده در انگاره‌ی اجتماعی امام موسی صدر، دلالت‌های التزام به دیدگاه وی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

یافته‌های سوال دوم تحقیق (دلالت‌های انگاره اجتماعی صدر در ماهیت تربیت یافتگی اجتماعی چیست؟)

در جمع‌بندی انگاره‌ی صدر از اجتماع، می‌توان گفت؛ جامعه موجودی یکپارچه و زنده (ارگانیزم) است که اجزای آن با هم در تعامل دائم هستند و مرگ جامعه به مرگ افراد و مرگ افراد به مرگ جامعه منجر می‌گردد. تعامل و همزیستی توحیدی، دال مرکزی انگاره‌ی اجتماع بوده و تمامی مؤلفه‌های دیگر معطوف به زمینه‌سازی، ایجاد و تقویت تعاملات مهرورزانه‌ی است که در بیان صدر با تعبیر «همزیستی^۱» و «برادری^۲» بیان شده است. نگرش توحیدی به هستی، انسان و اجتماع روحی است که بر کالبد این ارگانیزم دمیده می‌شود. خروج افراد از خودمحوری و

۱.التعایش

۲.الأخوه

داشتن انگیزه، بینش و آگاهی و آمادگی برای دیدن دیگری و دادوستد با ایشان، کاملاً وابسته به نگرش توحیدی بوده و ناظر به زمینه‌های لازم در تحقق تعامل مطلوب و تحقق شرایط اجتماعی شدن است. با توجه به توصیف و تحلیل ارائه شده از انگاره اجتماعی صدر، دلالت‌ها برای ماهیت تربیت اجتماعی در هشت اصل ارائه می‌گردد.

اصل برخورداری از نگرش و منش توحیدی

اگر مبادله و تعامل، مؤلفه‌ی اساسی ایجاد و استمرار وحدت و یکپارچگی جامعه است و اگر حفظ یکپارچگی مستلزم نگرش توحیدی به انسان، جامعه و هستی است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۹۱؛ ج. ۱۱، صص. ۴۴۵، ۴۷۰)، آنگاه برای حفظ این یکپارچگی، آموزش و پرورش باید بینش، ارزش و روش‌هایی که می‌تواند منش توحیدی را محقق سازد در دستور کار قرار دهد. این هدف مستلزم برخورداری تربیت جامعه از نگرش‌ها، ارزش‌ها و روش‌هایی وحدت‌گرا است تا بتواند یکپارچگی انسانی جامعه را حفظ کرده و توسعه بخشد. با توجه به نقش دین در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی در جامعه‌ی ایران، باید توجه داشت که برنامه‌های کلان آموزشی - تربیتی دین نیز، لازم است در عین توجه به تعالی یافتگی فردی، به گونه‌ای ترکیب یابند که فردیت مؤمنانه در تعارض با فضای تعاملی و گشودگی به تفاوت‌های اجتماعی^۱ موردنظر قرار نگیرد. این به این معنی است که نباید فرجه شدن فردیت، موجب احساس خودبسندگی و کفایت معرفت‌شناختی و رفتاری شود.

اصل نگاه انسان‌گرایانه فطری

تربیت یافتگی اجتماعی، مستلزم باور و تعهد به ارزش‌های عالی و فطرت مشترک انسانی است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۷۴؛ ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۲۹۱-۲۹۳). باید سرشت مشترک و کرامت ذاتی انسان و نه باور خاص او محور شکل‌دهی به محتوا و روش آموزش‌ها باشد. آموزش باید معطوف به

۱. قبول تفاوت و به رسمیت شناختن دیگری در نگاه صدر در تفاوت در اندیشه و باور و تفاوت‌های طبیعی ظهور می‌یابد، ولی چنانچه اندیشه و باوری در عمل، فرد یا گروهی را به تجاوز و تعدی و ضایع ساختن حقوق انسانی دیگران سوق دهد، بواسطه این تجاوزگری رفتاری حرمت و در نتیجه رسمیت خود را از دست می‌دهد.

احیاء و حفظ ارزش‌های مشترک انسانی باشد. این به این معنا است که؛ تربیت دینی و اسلامی نیز باید مبتنی بر فهمی از دین باشد که در تعارض با ارزش‌های فطری و مشخصاً، در تعارض با کرامت و شرافت ذاتی انسان نباشد. چنانچه صدر از آزادی با همین مبنا دفاع می‌کند (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، صص. ۱۷۹-۱۸۰). لازمه‌ی این سخن این است که آموزش، باید ارزش‌هایی را که تبیین‌گر مفهوم انسانیت است، در مرکز توجهات خود قرار دهد. ارزش‌هایی چون؛ حقیقت‌طلبی، عدالت‌طلبی، احترام متقابل، شفقت به دیگری، تلاش و جدیت، صداقت و راستی و...

اصل نگاه به دیگری به‌مثابه خویشتن

همزیستی مستلزم احترام متقابل و احترام مستلزم گشودگی است. گشودگی نیز مستلزم رواداری نسبت به دیگری متفاوت است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵؛ ج. ۱، ص. ۱۳۳). پس تربیت یافتگی اجتماعی، مستلزم برخورداری از نگاه و ارزش‌هایی است که دیگری متفاوت را محترم بدارد و به رسمیت بشناسد و این‌گونه نباشد که به بهانه‌ی حفظ اصالت فردی و یکپارچگی اجتماعی، درصدد محدودسازی ارتباطات انسانی و حذف تفاوت‌ها باشد؛ لذا تربیت یافتگی اجتماعی مستلزم تبیین حکیمانه‌ی تفاوت‌ها و عبور از نگاه فرقه‌گرایانه در اهداف فرهنگی و آموزشی است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۱، ص. ۲۵۷). چنانچه با این‌وصف آموزش باید معطوف به ارتقاء درک مخاطب از ارزش‌های برتر انسانی و ارتقاء همدردی با دیگری به‌مثابه انسانی چون من و همدلی با او برای کاستن از آلامش باشد.

اصل مبتنی ساختن رشد بر عمل

کنشگری مستلزم رهایی از اندیشه‌ی جبرگرایانه (تقدیرگرایی) و همچنین کنار گذاشتن امتیاز ویژه برای فرد، گروه و فرقه‌ی خاص بوده و نیازمند تمرکز بر سعی و تلاش به‌جای تمرکز بر محفوظات و ویژگی‌های جبری خارج از انتخاب است (صدر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷). به‌منظور شکل‌گیری اندیشه‌ی کنشگرانه به‌جای نگاه تقدیرگرا، باید ارزش تلاش و کوشش به‌جای ارزش باور یا باورهایی قرار گیرد که با توهم حقی و ویژه برای گروه یا طبقه‌ای خاص و تقلیل ارزش‌های الهی - انسانی به ذهنیتی بی‌رابطه با عمل، بی‌انگیزه شدن و رخوت اجتماعی را به همراه دارد. این امر مستلزم این است که آموزش و خصوصاً آموزش دینی به‌گونه‌ای محتواسازی کند که برآیند

اندیشه‌ی توحیدی، برانگیختن جدیت و تلاش صادقانه مخاطبین باشد و نه توهم مالکیت حقیقت که نتیجه‌ی آن تبلی، خودمحوری و خودبستگی و اکتفا به ارتباطات انسانی و اجتماعی حداقلی است.

اصل باور به آزادی چون ارزش

ظهور وجه خلیفه‌اللهی انسان، کنشگری اجتماعی و شکوفاشدن فطرت انسانی‌اش، مستلزم وجود آزادی اِعمال اراده به صورت عاقلانه است. اعمال اراده نیز خود، مستلزم رهایی از محدودیت‌های بیرونی متعارض با حقوق انسانی و محدودیت‌های درونی متعارض با ارزش‌های انسانی است؛ لذا فضای آموزشی باید فضایی باشد که امکان اعمال اراده‌ی آموزش‌دهندگان و آموزش‌گیرندگان و امکان پژوهش و جستجوگری آزاد در چهارچوب موردنظر را فراهم نماید. در این حال تربیت‌یافته‌ی اجتماعی کسی است که با فهم درست از مرزهای انسانیت در حوزه‌های مختلف (اجتماعی - سیاسی)، و رسیدن به سطحی از رشد اخلاقی، از امکان اعمال اراده‌ی خود و کنشگری اجتماعی به وجهی آگاهانه، معقول و اخلاقی برخوردار است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۵، ص. ۱۹۶؛ ج. ۱، صص. ۱۷۹-۱۸۰).

اصل برخورداری از نگاه و منش تشکیلاتی

بهترین صورت کنشگری اجتماعی در بستر سازمان و کار گروهی شکل می‌گیرد و کار سازمان‌یافته تحقق‌بخش وحدت اجتماعی موردنظر است (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، ص. ۹؛ ۱۳۸۳، ص. ۲۸۲). عمل تشکیلاتی نیز، نیازمند نگاه و منش تشکیلاتی و عبور از نگاه فردگرا است؛ لذا باید ایجاد نگاه و منش متناسب با آن در محور محتوا و روش آموزشی قرار گیرد. در این حالت تربیت‌یافتگی اجتماعی، مستلزم برخوردار بودن از درک روشن از کنش اجتماعی مفید و مهارت کار گروهی و تشکیلاتی و حضور در سطوح مختلف فعالیت‌های اجتماعی است.

اصل ضرورت گفت‌وگو چون بینش، منش و روش

اگر وحدت و یکپارچگی اجتماعی ارزشی است مطلوب که باید پیگیری شود، تحقق وحدت اجتماعی نیز مستلزم تفاهم و تفاهم مستلزم گفت‌وگو است. برای تحقق ارزش‌های مشترک انسانی و توحید اجتماعی، باید ایجاد بینش، منش و کنش گفت‌وگویی در محور آموزش و تربیت قرار

گیرد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، صص. ۱۱۲ و ۱۱۹). تربیت یافته‌ی اجتماعی در این حالت کسی است که ارتباطات انسانی‌اش معطوف به تفاهم و تعاون و درک متقابل بوده و گفت‌وگو را تنها‌ترین راه برای فهم دیگری و فهماندن خود به دیگری می‌شناسد. همچنین گفت‌وگو مستلزم رشد اخلاقی و معرفت‌شناختی و رهایی از کبر و برتری‌طلبی روان‌شناختی و خودبستگی معرفت‌شناختی است؛ لذا برای تحقق کنش گفت‌وگومحور، لازم است تا فضای آموزشی و تربیتی جامعه خصوصاً تربیت دینی، از محتوا و روش‌هایی که دیگری متفاوت^۱ را بیگانه‌ای به کلی متفاوت و باطل محض نشان می‌دهد اجتناب ورزد. همچنین در عین توجه به هویت‌های فرقه‌ای، نباید من تعین یافته در صورت‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی و ملی را آن‌چنان مرکزیت بخشد که جایی برای دیگری بیرون از این دایره باقی نگذارد.

اصل هویت‌سازی بر محور انسانیت

تحقق اهداف مرتبط با گفت‌وگو مستلزم به رسمیت شناختن دیگری و تحقق احترام متقابل در میان آحاد جامعه در عین وجود تفاوت‌ها در اندیشه و باور است. احترام متقابل نیز مستلزم فراهم‌سازی بستر به ظهور رسیدن دیگری و پرهیز از هر رفتاری است که هستی عینی (وجود) و ذهنی (هویت انسانی) او را با خطر ویرانی مواجه سازد. برای تحقق همزیستی مشفقانه و احترام متقابل اجتماعی باید اصل وجود تفاوت‌های اجتماعی به رسمیت شناخته شده و البته به گونه‌ای تبیین گردد که در تعارض با ارزش‌های عالی و مشترک انسانی نباشد. پس تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی، باید برای تعالی تربیت اجتماعی، برخورداری از بینش و منش حقیقت‌جویانه، تعامل معطوف به درک متقابل و وحدت، و ایجاد منش جستجوگری صادقانه میان آحاد جامعه را در اولویت اهداف آموزشی خود قرار دهد (صدر، ۲۰۱۴، ج. ۲، ص. ۱۴۲). در این حالت نیز تربیت یافته‌ی اجتماعی کسی است که به درکی از حقیقت، ارزش، انسان، اجتماع و هستی رسیده که احترام به انسانیت به‌عنوان عالی‌ترین ارزش‌ها، هویت‌بخش او می‌گردد.

۱. در خصوص شرایط آن در مبحث گشودگی توضیحات اجمالی بیان شد.

نتیجه گیری

افق گشایی صدر برای تربیت اجتماعی، ایجاد پیوندی منسجم و کارآمد میان ابعاد هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه‌ی تربیت اجتماعی است. به صورت ویژه، در پیوندی که میان اجتماعی شدن و نگرش توحیدی به جامعه، انسان (فطرت) و ارزش‌های انسانی ایجاد می‌کند و با این پیوند، تعارض تصور شده میان توحید محوری و انسان‌گرایی را به نحوی منسجم و کارآمد برطرف می‌سازد. این نگاه می‌تواند؛ نگاهی نو به ماهیت تربیت اجتماعی ارائه کند که در رفع تقابلات اجتماعی، خصوصاً در اجتماعات دین‌محور راهگشا باشد. با طرح و تحلیل مقولات اجتماعی صدر سعی شد منظر اجتماعی خاص ایشان وضوح و تمایز پیدا کند تا روشن شود که؛ چگونه صدر نگرش توحیدی به هستی را در تحلیل انسان و اجتماع جاری می‌سازد و آن را عامل وحدت‌بخش جامعه و برانگیزاننده‌ی کنشگری انسان می‌شمارد و تفاوت‌های موجود انسانی- اجتماعی را در ذیل این نگرش به گونه‌ای تفسیر می‌کند که تفاوت‌ها نه عامل مزاحم تعامل و همزیستی، بلکه بسترساز تحقق حکیمانه آن‌ها می‌گردد. از سوی دیگر؛ در ذیل این نگرش کرامت ذاتی انسان، هویت اجتماعی و کنشگری و آزادی اعمال اراده‌ی او و ارزش‌های کلان اجتماعی برای تحقق کنشگری اجتماعی به عنوان ضرورتی برای تکامل انسان ضرورت می‌یابد. مبتنی بر انگاره اجتماعی صدر تربیت اجتماعی و در نتیجه اجتماعی شدن ماهیتی ویژه و متناسب با این انگاره می‌یابد. این ماهیت ویژه الزاماتی را ایجاد می‌کند که هم تبیین‌کننده ماهیت تربیت اجتماعی صدر است و هم محقق ساختن آن‌ها بسترساز تحقق تربیت اجتماعی یا تربیت‌یافتگی اجتماعی است. بر اساس این پژوهش می‌توان تربیت اجتماعی صدر را؛ «مدل تعامل اجتماعی انسان‌گرای توحیدی» نام نهاد.

فهرست منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آربلاستر، انتونی (۱۳۶۸). لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط (ترجمه عباس مخبر). تهران: نشر مرکز.

- اسعدی، سیدمحمد؛ اعتصام، فرناز؛ نایت، کیم اچ؛ الفنباین، مورتون اچ؛ رضاعی، فرزین (۱۳۸۵). رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی دانشجویان ایرانی و آمریکایی. تازه‌های علوم شناختی، ۸(۱)، صص. ۱۷-۲۲.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۳). تفکر نظری در جامعه‌شناسی (ترجمه‌ی علی محمد حاضری). تهران: نشر سفیر.
- الباش، حسن (۱۳۸۹). برخورد تمدن‌ها (ترجمه‌ی محمدتقی علوی و جلیل محمدی). تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- آتویت، ویلیام؛ باتامور، تام (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم (ترجمه‌ی حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
- ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۷۸). مفهوم ایمان در کلام اسلامی (ترجمه‌ی زهرا پورسینا). تهران: انتشارات سروش.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۹). زبان و تفکر. تهران: نشر آگه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد نخست)، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد دوم)، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴). سه مغالطه رایج در مفهوم اجتماعی بودن «حضور در» جمع، ارتباط «با» جمع و سیطره «بر» جمع. تربیت، ۱۰، ۸۷-۹۲.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بهزادی، حمید (۱۳۸۵). بازشناسی فردگرایی و پیامدهای آن. راهبرد یاس، ۶(۲)، ۲۰۳-۲۴۲.
- پایا، علی (۱۳۸۱). گفت‌وگو در جهان واقعی. تهران: طرح نو.
- پالیزیان، مهدیه (۱۳۸۷). ارتباطات سنتی و مدرن در یک جامعه چند فرهنگی: مطالعه موردی لبنان دوران فعالیت امام موسی صدر (به راهنمایی هادی خانیکی). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تردیانس، هری چارلامبوس (۱۳۸۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی (ترجمه‌ی نصرت فتی). تهران: نشر رسانش و نشر جامعه‌شناسان.
- خانیکی هادی (۱۳۸۳). گفتگو، از مفهوم زبانی تا معنای جهانی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۱)، ۹۰-۱۱۳.
- خشن، حسین احمد (۱۳۹۲). اسلام و خشونت (ترجمه‌ی موسی دانش). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- روحی برندق، کاووس (۱۳۹۸). تأثیر دلبستگی ایمن بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی با تأکید بر اندیشه تربیتی امام موسی صدر. اسلام و مطالعات اجتماعی، سال هفتم شماره ۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). ارزش میراث صوفیه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی؛ دولتخواه، محمد (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- سریع القلم، محمود (۱۳۹۴). پیشوایی فراتر از زمان. تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر. سعید، ادوارد (۱۳۸۷). برخورد تمدن‌ها، غرب و اسلام (ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۱). شرق شناسی (ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۲) جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت شورت، ادموند سی (۱۳۹۴). روش شناسی مطالعات برنامه درسی (ترجمه‌ی محمود مهرمحمدی و همکاران) تهران: سمت.
- صدر، موسی (۱۳۸۳). نای و نی (ترجمه‌ی علی حجتی کرمانی). تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۳۸۴). ادیان در خدمت انسان (ترجمه‌ی علی حجتی کرمانی). تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۳۹۴). حدیث سحر گاهان (ترجمه‌ی علی حجتی کرمانی). تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۳۹۴). انسان آسمان (ترجمه‌ی علی حجتی کرمانی). تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدرا، محمد (۱۳۹۸). آسیب شناسی مفهوم وحدت اسلامی در قالب دو گانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم. فصلنامه سیاست، ۴۹(۲)، ۴۱۳-۴۳۰.
- عبدلی، معصومه (۱۳۹۵). بررسی سیره نظری و عملی امام موسی صدر به منظور استنتاج فلسفه تربیتی. پایان نامه دکتری (به راهنمایی علیرضا محمودنیا). تهران: دانشگاه خوارزمی.
- عزیزی، سیدمجتبی (۱۳۹۶). لیبرالیسم علیه اجتماع‌گرایی، نگاهی به انتقادهای لیبرال‌ها به اجتماع‌گرایان. فصلنامه سیاست، ۴۷(۲)، ۴۵۱-۴۷۰.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۶۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان.
- علمدار علی‌اکبری، سمیرا (۱۳۹۳). بررسی آراء کلام اجتماعی امام موسی صدر. پایان نامه کارشناسی ارشد (به راهنمایی حمیدرضا شریعتمداری). قم: دانشگاه قم.
- علیا، مسعود (۱۳۸۸). کشف دیگری همراه با لویناس. تهران: نشر نی.
- فروم، اریک (۱۳۶۰). جامعه سالم (ترجمه‌ی اکبر تبریزی). تهران: نشر بهجت.
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۶). گفتارهایی در فقه فرهنگ و ارتباطات. تهران: دانشگاه امام صادق.
- کوئن، بروس (۱۳۷۴). مبانی جامعه شناسی (ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل). تهران: سمت.
- کولب، ویلیام؛ گولد، جولوس (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه‌ی باقر پرهام). تهران: نشر مازیار.

- کین، سم (۱۳۸۲). گابریل مارسل (ترجمه‌ی ملکیان). تهران: نشر نگاه معاصر.
- محمودیان، محمد (۱۳۹۱). تاثیر اندیشه‌های نوسلفیسم بر روند فکری-ایدئولوژیک القاعده. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷(۳)، ۷۹-۱۱۴.
- لک زایی، شریف (۱۳۹۸). علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی دوره ۲ بهار و تابستان، شماره ۱
- مریدی، فاطمه (۱۳۹۵). الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در اندیشه و آثار موسی صدر. جستارهای فلسفه دین، ۵(۱)، ۷۷-۹۹.
- معمدی، عبدالله (۱۳۹۲). سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی. فصلنامه فرهنگ مشاوره، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۴۲.
- می، رولو (۱۳۹۷). انسان در جستجوی خویشتن (ترجمه‌ی مهدی ثریا). تهران: نشر دانه.
- وفایی مغانی، جواد (۱۳۹۳). تبیین و تحلیل مبانی معرفتی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان. معرفت ادیان، ۵(۱)، ۱۱۱-۱۲۸.
- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۹۰)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی (جلد دوم) (ترجمه‌ی حسن دانائی فرد، سیدحسین کاظمی). تهران: انتشارات موسسه کتاب مهربان.
- هانتینگتون، ساموئل بی (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم نوین جهانی (ترجمه‌ی حمید رفیعی) تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صدر، موسی (۲۰۱۴). مسیره الامام السید موسی الصدر. (ج. ۱-۱۲). بیروت: دارالبلال لطباعه و النشر.
- Marsh, S. (2011). Experiencing Social Education. In C. White (Ed.), Journeys in Social Education, (pp. 1-14). Sense Publishers.
- Merriam Webster dictionary (2021). Retrieved from: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/idea>
- Osher, D., Brackett, M., Dymnicki, A., Jones, S., & Weissberg, R., P. (2016) Advancing the science and practice of social and emotional learning: Looking back and moving forward. Review of Research in English, 40, 644-681.
- Taylor, C. (2003a). The Ethics of Authenticity. Cambridge: Harvard University Press



